

نقطه اشتراک  
موافقان و مخالفان  
ظهور چین قدرتمند  
این است که نظم  
ملل متحد در قالب  
«نظم آمریکایی»  
که دست ساخته  
فاتحان جنگ دوم  
جهانی است، به ویژه  
پس از فروپاشی  
نظام دوقطبی قابل  
استمرار نیست و باید  
متحول شود.

که دست ساخته فاتحان جنگ دوم جهانی است، به ویژه پس از فروپاشی نظام دوقطبی قابل استمرار نیست و باید متحول شود. این نظم برخلاف نظم «جامعه ملل» که دو دهه بیشتر دوام نیافت و از دل آن جنگی خونین سر برآورد، قریب به هشت دهه ادامه یافته است. خسارت‌های مادی و معنوی فراوان جنگ دوم نظیر ورود سلاح‌های غیرمتعارف، بلوک‌بندی‌های جنگ سرد و جنگ‌های منطقه‌ای و نیابتی فراوان به هراس‌ها درباره وضعیت آنارشیستیک در نظم بین‌الملل دامن زده و توافقی نانوشته را درباره استمرار نظم موجود، خصوصاً در میان منتفعان از این نظم شکل داده است. سه دهه از این هشت دهه، به «دوران پسا جنگ سرد» و فروپاشی نظم دوقطبی با اضمحلال بلوک شرق (شوروی و هم‌پیمانانش در پیمان ورشو در اروپای شرقی) گذشته است که خود محصول رقابت دوقطبی و به خصوص اجرای طرح‌های براندازانه بلوک غرب برای متلاشی کردن بلوک شرق بود. در این سه دهه، اروپا و آمریکا (فاتحان جنگ سرد) با ترکیبی از تحلیل‌های درست و نادرست و دلایل خواسته و ناخواسته، به تقویت چین دامن زدند؛ چراکه می‌پنداشتند برای مهار شوروی، اقدام برای همراه‌سازی چین، سیاستی کم‌هزینه‌تر از تلاش برای فروپاشی شوروی است. همین تحلیل، یکی از زمینه‌های مهم قدرت‌یابی چین در عرصه‌های گوناگون اقتصادی، تجاری، علمی و فناوری بود که البته حکمرانان چین نیز با اتخاذ طرح‌ها و برنامه‌های توسعه‌ای، مبتنی بر «اصل تدرج در روابط بین‌الملل» استفاده بهینه‌ای از آن کردند و با بهره‌گیری از فرصت رقابت میان دو بلوک شرق و غرب، به سمت فتح قله‌های علمی، فناوری، اقتصادی، سیاسی و نظامی خیز برداشتند.

## **چین و فرصتی که باید دریافت**

در عرصه سیاست و روابط خارجی، تأمین منافع ملی و فرصت‌سازی از طریق تعریف و بازتعریف دوست و دشمن، محور هر سیاست و برنامه‌ای است. ایران، چین و روسیه در کنار برخی قدرت‌های منطقه‌ای در دیگر قاره‌ها از استمرار نظم موجود بین‌الملل راضی نیستند و کنشگری به منظور استقرار نظم مطلوب از جمله فراهم کردن زمینه‌های همکاری و هماهنگی در عرصه بین‌الملل در مسیر تأمین منافع اختصاصی و مشترک را در دستور کار قرار داده‌اند. در این میان، اصول ثابت سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به ویژه اصل نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، که در شعار محوری «نه شرقی، نه غربی» متجلی شده است، به منزله چراغ راهنماست، اما ذیل تحلیلی که در روند تحولات جهانی وجود دارد، راهبرد «نگاه به شرق»، یا به تعبیر بهتر، راهبرد «سیاست آسیایی» هم‌اکنون در دستور کار طراحان سیاست خارجی جمهوری اسلامی قرار گرفته است. با استمرار ریاست شی جین‌پینگ، تداوم رایزنی‌های